

عفت کلامی باتاکید بر آیات و روایات

فاطمه السادات هژبر

چکیده

عفت کلامی در اصطلاح به معنای حاصل شدن حالتی برای نفس و جان آدمی است که به وسیله ی آن از غلبه و تسلط شهوت جلوگیری می شود. این مقاله باهدف شناخت عفت کلام با تاکید بر آیات و روایات و با روش توصیفی -تحلیلی و روش جمع آوری کتاب خانه ایی به رشته تحریر در آمده است و همچنین مواردی از قبیل ضرورت عفت کلامی، آثار فردی و اجتماعی و راه های دستیابی به آن مورد بررسی قرار گرفته است. عفت کلامی آثار قابل توجهی در زندگی فردی و اجتماعی انسان دارد که از جمله این آثار، سنجیده گوئی، مانع از ضعف ایمان، عیب پوشی و حفظ کرامت انسانی می باشد. عدم رعایت عفت کلامی در جامعه عواقبی به دنبال دارد که موجب مطرود شدن فرد از جامعه و تزلزل وجه ی اجتماعی وی و در نهایت عدم مقبولیت اجتماعیش خواهد شد و چه بسا در برخی موارد موجبات به وجود آمدن نفاق و ستمگری را فراهم خواهد آورد.

کلید واژه

عفت، عفت کلامی، آیات و روایات

مقدمه

از قدیمی ترین سرمایه ها و میراث های حیات آدمی ادب است، حتی بالاتر از ثروت و سرمایه است: ادب مرد، به ز دولت اوست. وقتی سخن از ادب به میان می آید، نوعی رفتار خاص و سنجیده با افراد پیرامون اعم از کوچک و

بزرگ، آشنا و غریبه به نظر می‌آید این رفتار نشأت گرفته از تربیت شایسته مبتنی بر اخلاق دینی است که به کردار آدمی از جمله نحوه سخن گفتن وی نیز مربوط می‌شود

دراهمیت مساله عفت کلام می‌توان به آیاتی در قرآن اشاره کرد که خداوند در این آیات قالب‌های مختلفی برای کلام بیان فرمودند و انسان را به کلام نیکو دعوت کرده است.

بنابراین افراد معتقد به کلام خداوند (مومن) باید فکر، اخلاق، اعضا و جوارحش را در چارچوب دستورات دین قرار داده و از خط قرمزهایی که قرآن، سنت و عقل برایش معین می‌سازد تخطی نکند.

در مورد موضوع عفت کلام مقاله‌ای با عنوان راه‌های آموزش عفت کلام از دیدگاه آیات و روایات نوشته حمیدیه نجفی و

تحلیل مساله عفت کلام در آموزه‌های قرآن کریم نویسنده آمنة مقدم و مجتبی انصاری مقدم ارائه شده است .

در این مقاله عفت کلامی با تاکید بر آیات و روایات مورد بررسی قرار خواهد گرفت بدین نحو که با مراجعه به کتاب‌های مختلف و با استناد به آیات قرآن و روایات متعدد اهمیت رعایت این مورد در برخورد با دیگران مشخص شده و با ذکر مسائلی چون ضرورت عفت کلام، آثار فردی اجتماعی و همچنین آثار عدم رعایت آن و در نهایت راه‌های دست‌یابی به عفت کلام از دیدگاه قرآن و روایات خواننده متوجه اهمیت رعایت این مورد در معاشرت خود با دیگران خواهد شد.

۲- مفهوم شناسی

«معنی لغوی: واژه عفت، مفهوم وسیعی دارد؛ هیچ واژه‌ی دیگر نمی‌تواند در مقابل آن قرار گیرد که هم سنگ آن باشد ولی از باب نمونه، چند واژه که در راستای معنای کلمه‌ی «عفت» هستند آورده می‌شود از جمله: پرهیزکاری، پارسایی و پاکدامنی» (معین، ۱۴۹۸، ج ۲، ص ۱۳۹۱)

«این واژه هنگامی به کار می‌رود که انسان از محرّمات مخصوصاً شهوات حرام احتراز کند» (معین، ص ۲۳۱۹) و از آن چه جایز و نیکو نباشد خواه، در گفتار و خواه در کردار، امتناع ورزد.» (معین، جلد ۳۲، ص ۳۳۱)

جمع آن «اعفّه و اعفاً» می‌باشد. (جمعی از مولفین، ابراهیم مصطفی ۱۹۸۹، ج ۲، ص ۶۱۱) و به شخصی که این صفت را دارد عقیف می‌گویند.

عفت: از ماده «عفف» به معنی خودداری از قبیح و آنچه حلال نیست (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۲۵۳) .

درجایی دیگر در کلام امام خمینی (ره) عفت را اینگونه تعریف کردند: «عفت عبارت است از: تعدیل و تهذیب قوه شهویه که جزئی از قوه تحریک یکی از دو قوه نفس است» (خمینی، ۱۳۸۲، جلد ۱، ص ۱۵۱).

در اصطلاح نگاه داشتن نفس از تمایلاتی است که شایسته نیست و این تمایلات نفسانی به اختلاف افراد و موارد مختلف می‌شود

(مصطفوی. ۱۳۹۸، ج ۸، ص ۱۸۱)

معنی اصطلاحی؛ بهترین توضیح و تفسیری که درباره این واژه می‌توان گفت: این است که: حاصل شدن حالتی برای نفس و جان آدمی است که به وسیله ی آن از غلبه و تسلط شهوت جلوگیری می‌شود (خسروی حسینی. ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۶۱۸).

شهید مطهری در تعریف عفاف می‌گوید: «عفت حالتی نفسانی است، به معنی رام بودن قوه شهوانی تحت حکومت عقل و ایمان، تحت تاثیر قوه شهوانی نبودن» (مطهری. ۱۳۸۲، ص ۱۵۴) حضرت علی (ع) درباره حقیقت عفت می‌فرماید: «الصبر علی الشهوة عفه» (قمی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۳۹۵) عفت مقاومت در برابر شهوتهاست و در روایت دیگری می‌فرماید: العفاف: زهاده، عفاف، بی‌رغبتی نسبت به خواسته‌های نفسانی است.

۳- ضرورت عفت کلامی

یکی از حوزه های عفاف ،عفت در کلام و گفتار است.

عفت در کلام هرگونه گفتار باطل و بیهوده و گناه آلود مخالف حق رانفی وعفت در کلام از جمله واجبات اخلاقی است. (مکارم شیرازی. ۱۳۹۱. ص ۳۴۵)

یکی از قدیمی‌ترین سرمایه‌ها و میراث‌های حیات آدمی ادب است، حتی بالاتر از ثروت و سرمایه است: ادب مرد، به ز دولت اوست. وقتی سخن از ادب به میان می‌آید، نوعی رفتار خاص و سنجیده با افراد پیرامون اعم از کوچک و بزرگ، آشنا و غریبه به نظر می‌آید این رفتار نشأت گرفته از تربیت شایسته است که به کردار آدمی از جمله نحوه سخن گفتن وی نیز مربوط می‌شود.

اهمیت این مساله همین قدر که خداوند در قرآن قالب های مختلفی برای کلام بیان فرمودند و انسان را به کلام نیکو دعوت کرده است. از جمله این آیات: «قول حسن» (بقره، ۸۳) یعنی گفتار نیکو، «قول معروف» (بقره، ۲۳؛ نساء، ۵؛ نساء، ۸؛ احزاب، ۳۲) یعنی گفتار شایسته، «قول لین» (طه، ۴۴) یعنی کلام نرم و ملایم، «قول کریم» (اسراء، ۲۳) یعنی سخن ارجمند، «قول سدید» (نساء، ۹؛ احزاب، ۷۰) یعنی کلام محکم و استوار و «قول بلیغ» (نساء، ۶۳) یعنی کلام رسا و پیراسته.

باتوجه به کلام امیرالمومنین یکی از نشانه های پرهیزکاران دور بودن از سخن زشت (نهج البلاغه ، خطبه ۱۹۳ ، ص ۲۸۹) و همچنین می‌فرمایند: انسان باید زبانش را حفظ کند، زیرا همانا این زبان سرکش ،صاحب خود را به

هلاکت می اندازد. (نهج البلاغه. خطبه ۱۷۶) و هم چنین سخنی از امام حسین (ع) که می فرمایند: «لا ادب لمن لا عقل له» آن را که خرد نیست ادب نیست. (مجلسی. ۱۳۱۵. ج ۷۸ ص ۱۱۱)

پرداختن به موضوع رعایت عفت در کلام، در زمان حاضر که فرهنگ مهاجم غرب، همه را به دریدن پرده های حیا و عفت در حوزه های گوناگون میخواند ضرورتی دو چندان دارد. بنابراین افراد معتقد به کلام خداوند (مومن) باید فکر، اخلاق، اعضا و جوارحش را در چارچوب دستورات دین قرار داده و از خط قرمزهایی که قرآن، سنت و عقل برایش معین می سازد تخطی نکنند.

۴- آثار فردی عفت کلام

۴-۱ مانع ضعف ایمان

ایمان واقعی است که بخشی از آن در قلب جا دارد، بخشی در مرحله ی نفس ظهور می کند و قسمتی در اعضا و جوارح نمود می یابد. این که گفته می شود ایمان اعتقاد و تصدیق به قلب، اقرار به زبان و عمل به ارکان و اعضاست (نهج البلاغه، ح ۲۲۷)

بنابراین طبق فرموده حضرت علی (علیه السلام) انسانی ایمان دارد که ایمانش در ظاهر و نحوه رفتار و برخوردش با دیگران نمایان شود. رعایت عفت کلام و نیکو سخن گفتن در برخورد با دیگران از مصادیق ایمان در ظاهر است.

«از همین باب است؛ یعنی حقیقت ایمان چیزی است که هم عقل آن را می پذیرد و هم نفس به آن متعلق می شود و هم اعضا و جوارح به آن عمل می کنند.» (جوادی آملی. ۱۳۷۹، ص ۳۱۸)

انسانی که هر حرف و سخنی بر زبانش جاری شود و در کلام و گفتار خود عفت و حیا را رعایت نکند ایمانش کامل نیست.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «لا یستقیم ایمان عبدٍ حتی یستقیم قلبه و لا یستقیم قلبه حتی یستقیم لسانه»

ایمان هیچ بنده ای درست نشود تا آن که دلش درست شود و دلش درست نشود تا آن که زبانش درست شود» (محمدی ری شهری. ۱۳۸۶، ج ۱۰، ص ۲۶۰)

«کنترل زبان بخشی از ایمان است و کسی که زبانش به گفتن هرزه و دشنام و نفرین عادت نموده، در ایمانش دچار نقصان و ضعف است. از این رو در احادیث، مکرر بر این نکته تأکید شده که مؤمن که ایمان در قلبش مستقر شده، اهل دشنام، لعن و سخن هرزه نیست» (کلینی، ۱۳۹۳، ج ۴، ص ۱۴-۱۷، مجلسی، ۱۳۱۵، ج ۶۴،

ص ۳۱۱؛ مانند این حدیث که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «لیس المؤمن بالطعّیان و لا الفاحش و لا البذئ» (، فیض کاشانی، سال نشر ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۲۱۵)

۴-۲ سنجیده گویی

انسان عاقل، قبل از این که سخن را بر لب جاری سازد، باید بسنجد و از درستی آن مطمئن شود. حضرت علی علیه السلام در این باره فرمود:

لِسَانَ الْعَاقِلِ وَرَاءَ قَلْبِهِ وَ قَلْبُ الْأَحْمَقِ وَرَاءَ لِسَانِهِ ؛ زبان انسان عاقل پشت قلبش پنهان است ولی قلب انسان نادان در پس زبانش است

(نهج البلاغه، قصار ۴۰)

فرد عاقل و بادرایت و فهیم و با کمالات هیچ گاه بدون فکر و سنجیده و خلاف عفت و کلام سخن نمی گوید. چنانکه طبق فرموده امیر المؤمنین حضرت علی علیه السلام فردی که درست و سنجیده سخن نگوید عاقل نیست.

«مردی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رسید و عرض کرد:

(یا رَسُولَ اللَّهِ أَوْصِنِي فَقَالَ احْفَظْ لِسَانَكَ قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَوْصِنِي قَالَ احْفَظْ لِسَانَكَ قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَوْصِنِي قَالَ احْفَظْ لِسَانَكَ وَيَحْكُ وَ هَلْ يَكْبُ النَّاسُ عَلَى مَنَاخِرِهِمْ فِي النَّارِ إِلَّا حَصَائِدُ أَلْسِنَتِهِمْ)

ای رسول خدا! مرا نصیحتی بنما. حضرت فرمود: مواظب زبانت باش. دوباره گفت: مرا نصیحتی بنما. حضرت فرمود: مواظب زبانت باش. برای بار سوم از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خواست که او را نصیحت کند. حضرت فرمود: مواظب زبانت باش. سپس فرمود: وای بر تو! آیا جز آثار زبان است که انسان را به درون شعله های آتش می افکند؟»

(مجلسی، ۱۳۱۵ق، ج ۶۸، ص ۳۰۳؛ ابن شعبه حرانی، ۱۳۷۶، ص ۵۶)

۴-۳ کم گویی

از دیگر ویژگی های آثار فردی عفت کلام میتوان کم گویی را نام برد. امام علی علیه السلام در این باره فرمود:

«(طُوبَى لِمَنْ... أَنْفَقَ الْفَضْلَ مِنْ مَالِهِ وَ أَمْسَكَ الْفَضْلَ مِنْ كَلَامِهِ؛ خوشا به حال کسی که اضافه مالش را انفاق و

اضافه گفتار خود را نگه دارد.» (مجلسی، ۱۳۱۵ق ج ۶۶، ص ۴۰۰)

۷-۲ تکرار و تمرین

تکرار در آموزش در تمامی زمینه ها از مسائل مورد بحث و گاه مشکل آفرین امروز آموزش فرایض دین است. نکته ای که باید به آن توجه داشت، این است که تکرار و یادآوری یک اصل ضروری در آموزش به شمار می آید. همانگونه که قرآن کریم در آیه ی ۵۱ سوره ذاریات میفرماید: (فَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ؛ امت را تذکر و پند ده که پندوتذکر اگر کافران رانفع ندهد مومنان را سودمند افتد)

(همانطور که در آثار فردی عفت کلام اشاره شد، عفت کلام در انسان مانع ضعف ایمان فرد می شود، در آیه فوق هم از معنای کلمه (الذکر) برمی آید پندواندروزی که انسان را به یاد خدا می اندازد و موجب تقویت ایمان و افزایش تقوا و جلوگیری از ضعف ایمان می شود. تکرار سبب میشود تا مبانی و معتقدات پیشین فراموش نشود، زمینه برای آموزش فضیلت های اخلاقی بعدی فراهم شود و آموزشهای گذشته تثبیت و تقویت گردند، اما این تکرارها باید بر اساس برنامه های حساب شده اعمال شوند تا از خستگی و ملال آور بودن آن جلوگیری به عمل آید و باعث اصلاح رفتار گردد.

۷-۳ دقت در آثار و پیامدهای عمل

یک راهکار برای کسی که به بی عفتی در کلام مبتلا است اندیشیدن در عواقب عمل و مطالعه روایات اخلاقی در این زمینه است؛ زیرا فهمیدن زشتی یک کار، انسان را از انجام آن منجر می کند.

کما تزرع تحصد هرطور کشت کنی همان طور درو خواهی کرد. (تمیمی. ج ۴ ص ۶۲۳)

وهم چنین در قرآن کریم آمده: ان احسنتم احسنتم لانفسکم وان اساتم فلها (۷ اسرا) اگر نیکی کنید به خود نیکی کرده اید و اگر بدی کنید به خود (بدنموده اید).

از این مطلب اینگونه میتون برداشت کرد هر عملی که انجام میدهید به همان مقدار که خلوص نیت داشته باشید و در انجام آن عمل دقت بیشتری به کاربرد نتیجه بهتری در انتظار شما خواهد بود و نتیجه عفت در کلام دور ماندن از گناهان کلامی است.

نتیجه گیری

آنچه از مطالب فوق برمی آید این است که رعایت عفت کلام اثرات فردی و اجتماعی بسیاری در بردارد. از اثرات فردی رعایت این امر می توان به تقویت ایمان، سنجیده گویی، کم گویی و دوری از گناه را نام برد. فرد مؤمن سخن نیکو بر زبان جاری می سازد و اهل دشنام و بدگویی نیست سنجیده و کم سخن می گوید و با تدبیر و درایت رفتار می کند و به واسطه این رفتار از گناه به دور است.

افرادی که عفت کلامی را در جامعه و در برخورد با دیگران رعایت می کنند، در اجتماع محبوب تر هستند زیرا در برخورد مناسبی که دارند کرامت انسانی دیگران را حفظ می کنند، عیب دیگران را برملا نمی کنند و با سخنان نیکو در برقراری ارتباط با افراد موفق تر هستند.

عدم رعایت عفت کلامی نتایجی همچون متزلزل شدن وجه ی فرد در اجتماع، عدم مقبولیت اجتماعی، نقاق، ستمگری، پست منشی را در پی خواهد داشت .

از جمله راه های دستیابی به عفت کلام، ارائه الگوی مناسب همچون پیامبران و ائمه معصومین علیه السلام و تکرار و تمرین و دقت در آثار و پیامدهای عمل را می توان نام برد. چرا که با الگو پذیری از رفتار و گفتار پیامبر و ائمه در برخورد خود با افراد جامعه و تکرار و تمرین سخنان نیکو و دوری از سخنان ناپسند و بیهوده می توان عفت کلامی، این صفت ارزشمند را در خود نهادینه کرد و با رعایت آن بهترین بهره را برد.

منابع و مأخذ:

۱. قرآن کریم

۲. نهج البلاغه

۳. اکبری، محمود، (۱۳۹۳)، عفت و پاکدامنی در اسلام، قم، فقیان.

۴. آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۴۱۰ ق)، غررالحکم و درر الکلم، قم، دارالکتاب الاسلامی

۵. ---، ---، ---، شرح غررالحکم و درر الکلم، ج ۴، تهران، انتشارات دانشگاه.

۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۷۱۱ ق)، لسان العرب، ج ۹، بیروت، دار صادر.
۷. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۹)، مراحل اخلاق در قرآن، بی جا، اسراء.
۸. حرانی، ابن شعبه، (۱۳۷۶)، تحف العقول، تهران-قم، بی نا.
۹. حسن الزیارت، حسن؛ عبدالقادر، حامد؛ نجار، محمد علی؛ اغعل مصطفی، ابراهیم، (۱۳۸۹)، المعجم الوسیط، بی جا، نشر صادق.
۱۰. دیلمی، حسن بن ابی الحسن، (۱۴۱۲ ق)، ارشاد القلوب، بی جا، نشر رضی.
۱۱. رشاد، علی اکبر، (۱۳۸۷)، دانشنامه امام علی ع، ج ۴، بی جا، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ اندیشه اسلامی.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۷۴)، مفردات الفاظ قرآن کریم، ج ۲، تهران، المکتبه المرتضویه لاحیاء آثار الجعفریه.
۱۳. سعدی شیرازی، گلستان
۱۴. علی محمدی، ایرج، (۱۳۸۲)، عفت کلام در قرآن، قم، صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران مرکز پژوهشهای اسلامی.
۱۵. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، (۱۰۹۱)، محجه البیضاء، ج ۵، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی.
۱۶. قمی، عباس، (۱۳۷۷)، سفینه البحار، ج ۲، قم، موسسه نشر اسلامی.
۱۷. قریب، محمد، (۱۳۶۹)، فرهنگ لغات قرآن، بی جا، بنیاد.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۹۳)، اصول کافی، ج ۴، بی جا، دار الثقلین.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۹۱)، اخلاق اسلامی در نهج البلاغه، قم، نسل جوان.
۲۰. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۲)، تعلیم و تربیت، بی جا، انتشارات صدرا.
۲۱. مصطفوی، حسین، (۱۳۹۸)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۸، تهران، آثار علامه مصطفوی.
۲۲. معین، محمد، (۱۳۹۱)، فرهنگ فارسی، ج ۲، بی جا، نشر
۲۳. ---، ---، (۱۳۸۶)، فرهنگ معین، ج ۳۲، بی جا، بی نا.

۲۴. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۸۶)، میزان الحکمه، ج ۱۰، قم، دار الحديث العلمیه

۲۵. ---، ---، (۱۳۷۶)، ---، ج ۳، قم، مکتب الاسلامیه.

۲۶. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۰۳ق، بحار الانوار ج ۶۴، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۲۷. ---، ---، (۱۳۱۵)ق، --- ج ۶۸، ج ۶۶، ج ۷۲، بی جا، بی نا.